

هدف هر گزارشگر این است که تا می‌تواند گزارش خود را بدون دخالت هیچگونه نظر و یا جهت‌گیری خاصی تهیه نماید. با این حرکت هم بر اعتبار خویش افزوده و هم خدمتی به خوانندگان کرده، تا بتوانند برداشت شخصی از آن موضوع داشته باشند. در جلسه روز یکشنبه 18 نوامبر، که به همت کنگره ایرانیان (ICC) در رابطه با گزارش عملکرد 6 ماهه خود، در سیویک سنتر نورت یورک برگزار شد اجرای این امر، به دلایلی که در این گزارش به آنان پی خواهیم برد، مشکل می‌نمود. حدود 40 نفر در این جلسه حضور داشتند که به صورت اتفاق و یا غیر اتفاق اکثریت آنان دارای گرایش سیاسی مشترکی بودند. از این رو میدان برای آنهایی که در اقلیت بودند تنگ و جو سنگین می‌نمود.

دیوید موسویان، عضو هیئت مدیره کنگره، مدیریت گردهمایی را به عهده داشت. بعد از خیر مقدم گوئی صورت جلسه را که شامل چهار موضوع، بانک TD، بسته شدن سفارت، سئوالات و نظر سنجی بود اعلام کرد. ایشان از همه تقاضا نمود که همکاری کرده و با کوتاه نگاه داشتن سئوال و جواب‌ها این امکان را به همه داده که به صورت عادلانه در این میز گرد شرکت داشته باشند که به سختی اجرا شد. نحوه قرار گرفتن میزها و نشستن اعضای هیئت مدیره به صورت پراکنده در جهات مختلف، این گردهمایی را به میز گردی واقعی ولی چهار گوش تبدیل کرده بود. ضمناً دیوید نتیجه نظر سنجی جلسه اول را که در ماه جون بر قرار شده بود برای حضار خواند و بنا به تقاضای چند نفر قرار بر آن گردید که از طریق سایت کنگره در اختیار همگان قرار گیرد. ضبط صوتی و تصویری تمامی جلسه موجود میباشد که با مراجعه به سایت [www.hambastegi.ca](http://www.hambastegi.ca) میتوان به آن دسترسی داشت.

کاوه شهروز در رابطه با فعالیتهایی که کنگره در رابطه با بسته شدن حسابهای تعدادی از ایرانیان انجام داده بود چنین توضیح داد. علت اصلی بسته شدن حساب‌ها تحریم‌های میباشند که از طرف دولت کانادا تصمیم گرفته شده است. تنها انتقادی که از بانک میتوان داشت نحوه اجرای این طرح بوده است، که بدون تماس با مشتریان و یا دادن توضیحات لازم بعضی از حساب‌ها را بسته است. در مرحله اول کنگره سعی کرد که تا جای امکان اطلاعاتی در باره افرادی که حسابشان بسته شده کسب نماید، که توانست با 70 الی 80 نفر آنها تماس برقرار کند. در مرحله بعدی شروع به یک کمپین از طریق ارتباطات جمعی کرده و همزمان تماس با مقامات دولتی را آغاز کرد. کمپین با موفقیت و سرعت بالا پیش رفت و در مدت یک هفته بسیاری از جراید، رادیو و تلویزیون در سطح کل کشور از موضوع مطلع و به خوبی از آن استقبال کردند. این واقعا یک پیروزی بزرگ برای جامعه ما بود. بانک که نمیخواست با این موضوع که در ظاهر یک حرکت تبعیضی مینمود رابطه ای داشته باشد، عکس العمل سریعی انجام داده و مدیرکل بانک ملاقاتی را ترتیب داد که من و آقای زندی در آن حضور داشتیم. کاوه چنین ادامه میدهد که در آن جلسه ما اعتراض خودمان را در نحوه اجرا با ایشان در میان گذاشته و مدیر بانک توضیحاتی در باره قوانینی که بانک میبایست تابع آنها بوده و اجرا کند به ما داد. نتیجه این تماس‌ها این بود که بانک با تعدادی از صاحبین حسابهای بسته شده تماس گرفت، و بعضی از آن حساب‌ها را هم باز کرد. این برای ما یک موفقیت چشمگیری بود، البته شاید میتوانستیم اقدامات بیشتری هم انجام دهیم، ولی بر همه روشن است که مبارزه حقوقی با یک بانک به عظمت بانک TD کار ساده ای نیست. در مجموع ما بر این باوریم که مشکلات پیش آمده از ابهاماتی میباشد که در قوانین می باشد نه در حرکت بانک. که آنرا هم سعی کردیم با تماس‌های خود با مقامات دولتی، آنطور که من در تماس حضوری ام با آقای جیسن کنی، و آقای زندی در ملاقاتش با هارپر، در میان گذاشته و همچنان ادامه خواهیم داد.

قبل از پرداختن به سئوال و جواب در باره موضوع بانک، به تقاضای یکی از حضار، آقای زندی اعضای هیئت مدیره را به ترتیب دیوید موسوی، کاوه شهروز، دکتر صمد اسدپور، و دکتر داود کفاپور که اعضای انتخابی میباشند معرفی میکنند. در ضمن اضافه میکند که بعد از استعفای چند تن از اعضای هیئت مدیره، طبق اساسنامه کنگره که این حق را به رئیس مدیره داده که جهت جایگزینی اعضای مستعفی تا انتخابات عمومی، که در ماه آپریل سال آینده خواهد بود، اعضای دیگری را به صورت انتصابی معرفی کند، از این رو خانمها مریم نایب یزدی، یسنا بهشتی و سارا تخشا همکاری خود را با کنگره شروع کرده و در حال حاضر هشت نفر در هیئت مدیره مشغول به فعالیت میباشند. بعد از آن کلیه حاضرین یک به یک خود را معرفی کردند.

بعد از سئوال و جواب‌ها در رابطه با مسئله بانک، آقای زندی در رابطه با بسته شدن سفارت این چنین توضیح دادند. ابتدا دولت کانادا به بهانه کمبود بودجه قسمت ویزا را چند ماه قبل از بستن سفارت خود در تهران تعطیل کرده و اعلام میدارد که وظائف مربوطه از طریق دفتری در ترکیه انجام خواهد شد. در آنزمان کنگره نامه ای به آقای جیسن کنی نوشت و ابراز نگرانی کرد که این میتواند مشکلات بسیاری از برای ایرانیان مقیم کانادا که به ایران رفت و آمد داشته و آنهایی که قصد خروج از ایران بمقصد کانادا را دارند بوجود آورد. ایشان در جواب گفتند که آنها میتوانند با فرستادن پاسپورت‌های خود به ترکیه ویزا گرفته و یا دیگر مسائل خود

را حل کنند. که کنگره در جواب توضیح میدهد که فرستادن پاسپورت از طریق پست در ایران غیر قانونی می باشد، که آقای وزیر در جواب می فرماید که ترتیبی خواهند داد که از طریق پست دیپلوماتیک این عملیات انجام شود.

متعاقبا سفارت خانه ها تعطیل شدند. قبل از آنکه سه نفر از ما به اتاوا دعوت شویم ملاقاتی داشتیم با آقای جیسن کنی در تورنتو و مجددا مسئله را با ایشان در میان گذاشتیم. ایشان توضیح دادند که کمبود بودجه دلیل بستن دفتر ویزا نبوده است. دلیل اصلی بسته شدن دفتر ویزا و سفارت، ایمنی کارمندان کانادایی در ایران بوده است. از ایشان پرسیدیم که از این به بعد ایرانیانی که در کانادا میخواهند پاسپورت خود را تمدید کرده یا ازدواجشان را به ثبت برسانند و یا کارهای خدماتی دیگر انجام دهند، چه باید کنند. ایشان در جواب میگویند که از طرف آنها هیچ اشکالی وجود ندارد که ایران یک سفارتخانه دیگر را، که مورد توافق هر دو کشور می باشد، از برای حفاظت منافع خود و انجام این قبیل کار ها معرفی کند.

آقای فرخ زندی اینچنین ادامه میدهد: سه روز بعد عازم اتاوا شده و با بسیاری از نمایندگان پارلمان و در مرحله بعد با آقای جیسن کنی ملاقات داشتیم. که البته غیر از ما ایرانیان دیگری هم از مونتreal، ونکوور و اتاوا در آن شرکت داشتند. در آنجا نیز ما دو باره این سئوالات را مطرح کردیم و در مرحله آخر در حضور شخص نخست وزیر، وزیر امور خارجه، وزیر مهاجرت، آقای وستون که مامور ویزای ایرانیان ونماینده غرب ونکوور می باشد و همچنین کارمندان برجسته این وزارتخانه ها باز آن سئوالات عنوان شد. آقای نخست وزیر توضیح دادند که در سال گذشته، کارمندان سفارت در تهران چندین بار مورد تهدید قرار گرفته اند، و حتی در یک مورد یکی از کارمندان مورد ضرب و شتم قرار گرفته و چون می بیند که هیچ کدام از اموالش به سرقت نرفته، به این نتیجه میرسد که شاید دولت ایران با این عمل میخواست پیامی را به آنها بدهد. ایشان اضافه میکنند که 33 سال پیش به سفارت آمریکا یا شیطان بزرگ حمله میشود، سال قبل به سفارت انگلیس یا شیطان متوسط هجوم میاورند، و شاید حالا نوبت ما که شیطان کوچک هستیم باشد. قبل از آنکه اینکار را با ما بکنند ترجیح دادیم که سفارت را خود ببندیم، و از کشور خارج شویم. اینکار را در دو نوبت انجام داده که اولی بستن دفتر ویزا و دومی بستن سفارت بوده است.

ما باز توجه را بسوی خدماتی بردیم که ایرانیان لازم دارند. ایشان در جواب می فرمایند، سفارت ایتالیا در ایران موافقت کرده که از طریق آنها خدمات ما عرضه شود و به ایران هم اعلام کرده ایم که در اینجا سفارتی را انتخاب کند، که همانند سفارت پاکستان در آمریکا که با 55 کارمند مدت 33 سال آن خدمات را برای دو میلیون ایرانی انجام میدهد اینجا هم همانطور انجام شود. همچنین اضافه کردند حال که در ایران هیچ کارمندی نداریم میتوانیم بهتر از برای دفاع حقوق ایرانیان و حقوق بشر در ایران صحبت کنیم. در پایان گفتند که درست است که کلیه روابط خود را با دولت ایران قطع کرده ایم ولی روابطمان را با مردم ایران ادامه خواهیم داد.

در مرحله سئوال و جواب در در رابطه با موضوع بسته شدن سفارت، یکی از حضار اظهار داشت که کنگره آنطور که باید در خط دفاع از منافع ایرانیان کانادا حرکت نکرده است. کاوه شهروز خط مشی کنگره را، با علم بر اینکه عده ای از ایرانیان با بسته شدن سفارت موافق و عده ای مخالف آن هستند بر بی طرفی اعلام میدارد. او اضافه میکند که تمام سعی کنکره بر آن بوده که مشکلاتی که از این حرکت برای ایرانیان بوجود آمده برطرف شود.

اکثریت حاضر در جمع، با بسته شدن سفارت موافق بوده، و آنرا از طریق بیان و یا کف زدن ابراز میداشتند. از این رو فضای موجود بی طرفی خود را از دست داده و امکان گفتگویی سازنده، در راه بوجود آوردن همبستگی و در میان گذاشتن راه حل‌هایی برای آینده از میان برده و یا حد اقل آنرا مشکل کرده بود.

آقای صمد اسدپور توضیحاتی در باره دیگر دلایلی که دولت کانادا را به طرف بستن سفارت سوق داد که از جمله پائین بود سطح معاملات تجاری، عدم وجود امکان برای گفتگو، ملاقات و حمایت از زندانیانی که پاسپورت کانادایی داشته و رفتار وحشیانه عوامل رژیم در حمله به سفارت انگلیس را نام می برد. ایشان اضافه میکنند که کنگره یا جامعه چند صد هزار نفری نمیتواند برای یک کشور 32 میلیونی تعیین تکلیف کند که چگونه در روابط امور خارجه خود عمل کند.

در ادامه این گفتگو که بیشتر جنبه پرخاش و جدال به خود گرفته بود یکی دیگر از حضار چند نکته اساسی را عنوان می کند. تا جایی که اینجانب، یکی از اعضا کنکره و تهیه کننده این گزارش، اطلاع دارم آن نکات نظر بسیاری از افراد دیگر که در آن جلسه حاضر نبودند و یا حضور داشته ولی خاموشی را گزیده بودند هم می باشد. و به همان دلایل رغبتی در همکاری با کنگره نداشته و باعث پائین ماندن تعداد اعضا شده است. با تجربه قبلی که از این قبیل گردهمایی ها داشته ام، که بیشتر به جلسات تبلیغات انتخاباتی شبیه بوده و یا با خشم و جدال از هم می پاشند، قبل از روز جلسه نامه ای به اعضاء هیئت مدیره فرستاده و توجه آنها را به نکاتی که

در سطح جامعه مطرح می باشد، و در آن جلسه شاهد بیانش بودم، جلب کردم. آقای کاوه شهروز در جواب من ایمیلی فرستاده که در جلسه روز یکشنبه به آنها پاسخ داده خواهد شد. متأسفانه نه فقط جوابی نشنیدم بلکه صدق گفتارم را به عین دیدم. جلسه در ساعت 4 بعد از ظهر با صرف شیرینی و چای به پایان رسید. از فرصت استفاده کرده و آن نکات را به طور خلاصه عنوان میکنم: 1- تداخل منافع رئیس هیئت مدیره کنگره که همزمان سرپرستی یک گروه سیاسی با خط مشی مشخصی را به عهده دارد (Conflict of Interest) 2- فرمایشی رفتار کردن کنگره در رابطه با فعالیت هائی که با برقراری چند جلسه آغاز و قبل از رسیدن به نتیجه مطلوب، ناتمام رها می شوند. 3- عدم شفافیت در اطلاعات رسانی در رابطه با کنگره، از جمله تعداد اعضا، دلایل استعفا بخشی از اعضا هیئت مدیره و علت معرفی کردن خود به عنوان نماینده کل جامعه ایرانیان در کانادا در ارگان ها رسمی کشور. 4- عدم وجود هماهنگی، مشورت و تماس بین کنگره و اعضا از یک طرف، و از طرف دیگر عدم تمایل و توجه کنگره به فعالیت های گروه های ایرانی دیگر و یا حرکت های اجتماعی که کنگره محرک اصلی آن نبوده است.